



خجسته باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

رفقای کارگر!

اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان فرا رسیده است. روزی که جهان سرمایه و ستم زیر گام‌های استوار و صفوف متحد پرولتاریای جهان به لرزه درمی‌آید.

در اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت) میلیون‌ها کارگر در ۵ قاره جهان، چرخ تولید را متوقف می‌سازند و با برپایی گردهم‌آنی‌ها، راهپیمایی‌ها و تظاهرات، عزم و اراده استوار خود را به سرنگونی نظم ستمگرانه سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم، به نمایش می‌گذارند. روز همبستگی بین‌المللی کارگران امسال نیز در شرایطی برگزار می‌گردد که جهان سرمایه‌داری، انحطاط و فروپاشی خود را که بازتابی از تضادهای حل‌ناپذیر این نظم است، در بحران‌های گوناگون به نمایش گذاشته است.

بحران اقتصادی جهانی که از سال ۲۰۰۷ آغاز گردید، باگذشت نزدیک به یک دهه، حل‌ناشده، باقی‌مانده است. تداوم این بحران به‌رغم تمام نقشه‌ها و وعده وعیدهای سرمایه‌داران و نمایندگان سیاسی آن‌ها، بارزترین دلیل بر پوسیدگی نظامی است که دوران آن از مدت‌ها پیش سپری شده است. این‌که به‌رغم تمام تلاش‌های پاسداران نظم سرمایه‌داری جهان، این بحران بی‌وقفه ادامه یافته، نشان می‌دهد که تضادهای شیوه تولید سرمایه‌داری به آن درجه از حدت و ستیز رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند در چارچوب نظم موجود حل شوند. این بدان معناست که راه‌حل این تضادها، نفی شیوه تولید سرمایه‌داری است. همان‌گونه که در تمام شیوه تولید قبل از سرمایه‌داری نیز وضع بر همین منوال بوده است. پوشیده نیست که طبقات حاکم سراسر تاریخ بشریت، همواره کوشیده‌اند با تمام امکانات خود، نظامی را که دورانش سپری شده است، همچنان حفظ کنند و تحول به نظامی عالی‌تر را که ضرورتی تاریخی است، به تأخیر اندازند. اما به‌گواه تمام روند تحول تاریخ بشریت، طبقه ارتجاعی و بازدارنده، زیر ضربات مبارزه طبقاتی از پای درآمده و به همراه نظم کهنه، به گورستان تاریخ سپری شده است.

بورژوازی جهانی در طی چندین دهه گذشته حتی با برافروختن جنگ‌ها و کشتار ده‌ها میلیون انسان تلاش کرده است، بحران‌های ذاتی نظم سرمایه‌داری را حل کند، اما هر بار با بحران‌هایی عمیق‌تر و جدی‌تر مواجه شده است.

یکی از اقدامات بورژوازی جهانی در جریان بحران اقتصادی اخیر، انتقال تمام و کمال بار این بحران بر دوش طبقه کارگر جهانی بوده است. در این یک دهه، سطح معیشت کارگران جهان پیوسته تنزل یافته است. دستمزد واقعی کارگران سال‌به‌سال کاهش یافته است. بسیار از دست‌آوردهای مبارزاتی کارگران در عرصه تأمین اجتماعی، از آن‌ها باز پس گرفته شده است. صدها میلیون کارگر بیکار شده‌اند. سازمان بین‌المللی کار که معمولاً آمار غیرواقعی و رسمی دولت‌ها را از بیکاری در کشورهای جهان انتشار می‌دهد، تعداد بیکاران را تا ۲۰۱۴ متجاوز از ۲۰۰ میلیون اعلام کرده است. بر طبق همین گزارش‌ها، در فاصله سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، ۳۰ میلیون بر تعداد بیکاران جهان افزوده شده است. اکثریت بسیار بزرگ کارگران جهان، در چنگال فقر گرفتارند.

درحالی‌که بر طبق آمار رسمی مؤسسات و نهادهای بین‌المللی، کارگران پیوسته فقیرتر شده‌اند، سرمایه‌داران مدام بر حجم سرمایه و ثروت خود افزوده‌اند. شکاف فقر و ثروت ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است.

گزارش‌های رسمی حاکی است که یک درصد ثروتمندترین‌های جهان سرمایه‌داری، بیش از نیمی از ثروت جهان را به‌تملک خود درآورده‌اند. در سال ۲۰۱۴، ثروت و سرمایه فقط ۸۵ ثروتمند جهان به‌اندازه ۵۰ درصد جمعیت جهانی یعنی ۵ / ۳ میلیارد انسان بوده است. این شکاف اکنون عمیق‌تر شده و ثروت ۶۲ ثروتمند جهان به‌اندازه ۶ / ۳ میلیارد جمعیت جهان است. این واقعیت نیز به همراه بحران مزمن و علاج‌ناپذیر اقتصادی و عواقب اجتماعی آن، نشان می‌دهد که وضع موجود، قابل‌دوام نیست. نظام سرمایه‌داری باید از میان برود و جای خود را به نظامی رهاشده از استثمار، ستم و نابرابری، نظامی متشکل از انسان‌های آزاد و برابر بسپارد.

جهان سرمایه‌داری، اما با بحران‌های متعدد دیگری نیز مواجه است که آن‌ها نیز بازتاب زوال و انحطاط این نظامند. یک نمونه آن، وضعیت فاجعه‌بار منطقه وسیعی از کشورهای خاورمیانه، بخش‌هایی از شبه‌قاره هند و آفریقا است. بنیادگرایی اسلامی، رشد جنبش‌های اسلام‌گرا و تروریسم اسلامی، جنگ‌های داخلی ارتجاعی ویرانگر، در این منطقه از جهان که زندگی را بر میلیون‌ها کارگر منطقه تباہ کرده است، همه محصولات دوران زوال و گندیدگی نظم سرمایه‌داری‌اند.

در ایران که یک دولت استبدادی سرمایه‌داری مذهبی، سرنوشت و مقدرات توده‌های وسیع مردم را در دست خود گرفته است، طبقه کارگر با شدیدترین فشارهای مادی و معنوی روبه‌رو است. اکثریت بسیار بزرگ کارگران ایران و خانواده‌های آن‌ها، زیرخط فقر مطلق با گرسنگی مداوم زندگی می‌کنند. درحالی‌که کارگران با شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین استثمار مواجه‌اند، دستمزدها چنان ناچیز است که حتی پاسخ‌گوی نیمی از نیازهای فوری و ضروری نیست. شرایط مادی و معیشتی کارگران ایران سال‌به‌سال وخیم‌تر شده است.

بحران اقتصادی به همراه سیاست اقتصادی ارتجاعی نئولیبرال، به بیکاری میلیون‌ها کارگر انجامیده است. تعداد واقعی بیکاران در ایران هم‌اکنون به حدود ده میلیون رسیده است.

با این همه، در حالی که میلیون‌ها کارگر با فقر و گرسنگی کمرشکن مواجه‌اند، طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران با تشدید استثمار، محروم کردن کارگران از هرگونه حقوق کارگری و چپاول و غارت ثروت‌های عمومی، مدام بر حجم سرمایه و ثروت خود افزوده است. در طول متجاوز از یک‌صد سال اخیر، هیچ‌گاه شکاف فقر و ثروت در جامعه ایران همچون امروز عمیق و وسیع نبوده است.

طبقه کارگر ایران در نظام سرمایه‌داری حاکم، فقط با فقر، گرسنگی، بیکاری، استثمار بی‌رحمانه، روبه‌رو نیست. دیکتاتوری عریان و استبداد طبقه سرمایه‌دار، کارگران را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی محروم کرده است.

برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، طبقه کارگر ایران از حق ایجاد تشکلهای مستقل اقتصادی و سیاسی محروم است. اعتراضات کارگران حتی به خاطر خواست‌های صنفی و اقتصادی‌شان با سرکوب پلیس، بازداشت و محکومیت به شلاق، زندان و اخراج مواجه است. در این یک سال، صدها کارگر مبارز و پیشرو، به جرم دفاع از منافع کارگران اخراج شدند و ده‌ها تن به حبس و شلاق محکوم شدند. سرکوبگری جمهوری اسلامی را علیه کارگران، در کمتر کشوری از جهان می‌توان سراغ گرفت. کافی است که فقط به کشورهای همسایه ایران از نمونه پاکستان، افغانستان، عراق، ترکیه اشاره شود که همه آن‌ها رژیم‌های مرتجع سرمایه‌داری و مذهبی هستند، اما در هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌توان نظیر سرکوبگری جمهوری اسلامی ایران علیه کارگران و بی‌حقوقی آن‌ها را سراغ گرفت.

با این اوصاف، به‌خوبی می‌توان دل‌آوری و رزمندگی طبقه کارگر ایران را از این واقعیت دریافت که به‌رغم تمام فشارها و سرکوبگری‌های رژیم ارتجاعی حاکم، کمتر روزی بدون اعتصاب، گردهم‌آیی، تجمعات اعتراضی خیابانی، راهپیمایی و اشکال دیگری از اعتراضات سپری شده است. از اول ماه مه سال ۹۴ تا به امروز، کارگران صدها اعتصاب، تجمع اعتراضی، راهپیمایی و تظاهرات و مسدود کردن جاده‌ها و خیابان‌ها برپا کرده‌اند. گرچه تمام این اعتراضات حاکی از بیداری و روحیه مبارزاتی بالای کارگران، ارتقاء سطح مبارزات و آگاهی، بسط و توسعه مبارزه طبقاتی کارگران در ایران است، اما نکته برجسته در مبارزات یک سال اخیر، اعتلای سطح آگاهی و مبارزات طبقه کارگر به مرحله‌ای است که کارگران به نحو روزافزونی از مبارزات منفرد تک کارخانه‌ای، به مبارزات متحد و متشکل رشته‌ای روی آورده‌اند. اعتصابات و تجمعات اعتراضی هم‌زمان کارگران کارخانه‌های یک‌رشته تولید و یا خدمات در یک منطقه یا چندین شهر، به‌وضوح بازتاب این مرحله از پیشرفت جنبش کارگری ایران است.

از این نمونه است، اعتصابات پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و عسلویه در مهر و آذرماه، تجمع اعتراضی ۳۰۰ تن از نمایندگان پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و عسلویه، اراک، اصفهان، تبریز در مقابل وزارت نفت، اعتصاب هزاران کارگر معادن زغال‌سنگ کوه‌بنا کرمان، گلستان و سمنان در دی‌ماه ۹۴، تجمعات اعتراضی نمایندگان ۵۰۰۰ کارگر برق منطقه‌ای و اپراتورهای فشارقوی سراسر کشور در مقابل دفتر روحانی، تجمع اعتراضی ۱۶۰۰ تن از کارگران مخابرات روستایی به نمایندگی از ۷۰۰۰ کارگر، در مقابل ساختمان مخابرات و وزارت ارتباطات. این شکل از مبارزات، درس بزرگی برای عموم کارگران ایران است.

کارگران تمام کارخانه‌ها و رشته‌های خدمات، باید از این تجارب رفقای خود بیاموزند و مبارزات واحدهای منفرد و جداگانه را به مبارزات رشته‌ای سرتاسری تبدیل کنند.

رفقای کارگر!

راه نجات کارگران در تشکل، اتحاد و همبستگی برای برانداختن نظم سرمایه‌داری و برقراری نظمی سوسیالیستی است. اما همان‌گونه که تجربه تاکنون نشان داده است، طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران با برقراری رژیم دیکتاتوری عریان و استبدادی وحشیانه، آزادی‌های سیاسی و از جمله آزادی ایجاد تشکلهای مستقل را از طبقه کارگر سلب کرده است. گروهی از کارگران پیشرو که برای ایجاد تشکلهای صنفی و اقتصادی علنی تلاش نمودند، با سرکوب مرتجعین حاکم بر ایران مواجه شدند. این کارگران مبارز و پیشرو یا هم‌اکنون در زندان‌اند و یا اخراج شده‌اند. تحت یک چنین شرایطی باید اساس کار را بر ایجاد تشکلهای مخفی قرارداد. در واقعیت نیز هم‌اکنون بخشی از کارگران به این نتیجه رسیده و اشکالی از تشکلهای مخفی را در درون کارخانه‌ها ایجاد نموده، تا از طریق آن بتوانند با استبداد و سرکوبگری‌های رژیم مقابله کنند و مبارزات طبقاتی خود را علیه سرمایه‌داران و دولت پیش‌برند.

این وظیفه بزرگ و سنگین در برابر پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران قرار گرفته است که در هر کارخانه و موسسه‌ای، کمیته‌های مخفی را ایجاد کنند. این تشکلهای مخفی باید در وهله نخست تلاش کنند با ایجاد کمیته‌های مخفی هم‌آهنگی در رشته‌های مجزای تولید و خدمات، به مبارزات هر رشته‌ای شکلی سرتاسری بدهند و سرانجام از اتحاد این تشکلهای رشته‌ای سرتاسری است که می‌تواند تشکل سرتاسری تمام کارگران ایران شکل بگیرد.

رفقای کارگر!

روز اول ماه مه را در همبستگی با کارگران سراسر جهان تعطیل کنیم، دست از کار بکشیم و با شعار آزادی تشکل، افزایش دستمزد و لغو قراردادهای موقت، مراسم اول ماه مه را علنی برگزار کنیم.

سازمان فدائیان (اقلیت) با امید به پیروزی بر دشمن طبقاتی، اول ماه مه را به عموم کارگران شادباش می‌گوید.

زنده‌باد اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران

نابود باد نظام سرمایه‌داری – زنده‌باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵

کار – نان – آزادی – حکومت شورایی

شماره پیامگیر در اروپا: ۰۰۳۱ (۰) ۶۴۴۹۲۸۳۷۲

نشانی ما روی اینترنت: www.fadaian-minority.org آدرس الکترونیکی ما: info@fadaian-minority.org